

اشتغال‌پذیری جوانان روستایی و مهارت‌های دیجیتال

احمد یعقوبی فرانی^{۱*} و مهرناز خیاطی^۲

چکیده

توانمندسازی جوانان برای اشتغال‌پذیری، به معنای برخورداری از مجموعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها برای کسب یک شغل و ایفای نقش مؤثر در بازار کار، از اولویت‌های اصلی دولت‌ها در برنامه‌های توسعه است. این موضوع به‌ویژه در مورد جوانان روستایی به‌عنوان نیروی مولد در اقتصاد روستا و بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و عدم توجه به توانمندی جوانان و بهره‌گیری شایسته از ظرفیت‌های آن‌ها، هدر رفت منابع انسانی و پدیده مهاجرت را در پی خواهد داشت. امروزه با پیشرفت‌های گسترده در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری و از سویی تغییر شرایط و نیازها و انتظارات جوامع، انطباق محتوای آموزش‌های مهارتی جوانان با پیشرفت‌های علمی و فناوری و تحولات اجتماعی، همواره یکی از دغدغه‌های پیش‌روی نظام‌های آموزش مهارتی است که نیازمند تدبیر هوشمندانه برای ایجاد تغییرات فرایندی و محتوایی نوآورانه و مؤثر به‌منظور پوشش شکاف‌های مهارتی جوانان در حوزه فناوری‌های نوین و به‌طور خاص در عصر حاضر، فناوری‌های دیجیتال می‌باشد. در نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش‌شناسی مطالعات مروری، به نقش سواد و مهارت‌های دیجیتال در توانمندسازی جوانان روستایی برای ورود به مشاغل آینده و ضرورت مدل‌سازی و اجرای فرایندهای مؤثر و هدفمند برای ایجاد و تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز در جوانان مناطق روستایی برای رویارویی اثربخش یا چالش‌های آینده اشتغال، در بستر فناوری‌های دیجیتال و بهره‌گیری شایسته از فرصت‌های موجود در این حوزه از فناوری‌ها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: اشتغال‌پذیری، توانمندسازی، کارآفرینی، مهارت سواد دیجیتال، جوانان روستایی.

^۱ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

^۲ دانش آموخته دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: yaghoubi@basu.ac.ir

در هر جامعه‌ای، جوانان مهم‌ترین دارایی و سرمایه اثرگذار بر شرایط فعلی و آینده نظام اقتصادی اجتماعی بوده و وجود قشر جوان توانمند، فرصتی برای توسعه و بالندگی یک کشور محسوب می‌شود. از این‌رو حکمرانان و دولتمردان همواره برای بهره‌گیری از این ظرفیت انسانی و هدایت آن در مسیر رشد و توسعه کشور تلاش نموده و با سرمایه‌گذاری در نظام‌های آموزشی پایه و برنامه‌های ارتقای مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی نوجوانان و جوانان، مسیر پویایی و رشد آنان و به تبع آن آینده کشور را هموار می‌نمایند. این موضوع به‌ویژه در مورد جوانان روستایی به‌عنوان نیروی مولد در اقتصاد روستا و بخش کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و عدم توجه به توانمندی جوانان و بهره‌گیری شایسته از ظرفیت‌های آن‌ها، کاهش بهره‌وری منابع انسانی و در مواردی افزایش پدیده مهاجرت جوانان از روستا را در پی خواهد داشت.

فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی مناسب و تأمین کار شایسته برای جوانان در محیط‌های روستایی به سبب تأثیر بر کیفیت تأمین معاش و شرایط زندگی آنان و نیز سایر تأثیرات اجتماعی اقتصادی در جامعه روستایی و بخش کشاورزی، از اولویت‌های اصلی دولت‌ها در برنامه‌های توسعه است. به عبارتی آموزش و اشتغال جوانان روستایی به‌عنوان دو رکن اصلی، جایگاه مهمی در برنامه‌های توسعه روستایی داشته و آموزش و توانمندسازی مهارتی جوانان روستایی برای کسب و حفظ شغل را می‌توان در زمره مهم‌ترین و مؤثرترین استراتژی‌های دولت‌ها در مسیر توسعه پایدار روستاها دانست. به همین سبب، در کشور ما نیز همگام با سیاست‌گذاری برای تأمین زیرساخت‌های توسعه روستایی و اشتغال و کارآفرینی در مناطق روستایی، آموزش‌های مهارتی و شغلی جوانان روستایی از سوی مراکز دولتی و غیردولتی هدف‌گذاری شده است.

اشتغال‌پذیری به معنای آمادگی برای کسب شغل و انجام کار و به عبارتی برخورداری از مجموعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که بلافاصله در شروع کار به فرد کمک می‌کند تا نقش مؤثری در بازار کار ایفا نماید. در جهان امروز، یکی از الزامات توسعه پایدار، مجموعه‌ای از مهارت‌های ضروری برای اشتغال و کسب شایستگی‌های لازم برای فعالیت در یک شغل خاص و توانایی برای خلق یک فرصت شغلی است که از آن با عنوان اشتغال‌پذیری یاد می‌شود (Pan *et al.*, 2014). اشتغال‌پذیری یک مسئله کلیدی برای دستیابی افراد به شغل است. در واقع اشتغال‌پذیری مفهومی چندوجهی است که دارای مجموعه‌ای از عوامل، شرایط و ویژگی‌ها و قابلیت‌ها است که احتمال انتخاب و کسب مشاغلی که فرد در آن‌ها می‌تواند راضی و موفق باشند را افزایش می‌دهد (حجازی و همکاران، ۱۳۹۷).

امروزه با پیشرفت‌های گسترده در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری و از سویی تغییر شرایط و نیازها و انتظارات جوامع، موضوع تناسب آموزش‌های مهارتی و شغلی با سطح دانش و فناوری و از سویی نیازهای جامعه، از موضوعات اولویت‌دار مراکز و نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی بوده و کارایی نظام‌های آموزشی با میزان توانایی آن‌ها در پاسخگویی به نیازهای جامعه و نیز تطابق با پیشرفت‌های علمی و فناورانه سنجیده می‌شود. بر همین اساس، انطباق محتوای آموزش‌های مهارتی جوانان با پیشرفت‌های علمی و فناوری و تحولات اجتماعی، همواره یکی از دغدغه‌های پیش‌روی نظام‌های آموزش مهارتی است که نیازمند تدبیر هوشمندانه برای شناسایی و ارزیابی شکاف‌های مهارتی در دو بعد عرضه و تقاضای توانمندی‌های شغلی و بر مبنای آن ایجاد تغییرات فرایندی و محتوایی نوآورانه و مؤثر به‌منظور پوشش شکاف‌های مهارتی جوانان در حوزه فناوری‌های نوین و به‌طور خاص در عصر حاضر، فناوری‌های دیجیتال می‌باشد.

تدبیر برای فراهم‌سازی زمینه اشتغال مناسب برای جوانان روستایی و دوراندیشی برای آینده شغلی آن‌ها، از اولویت‌های اصلی دولت‌ها در برنامه‌های توسعه روستایی پایدار است. به تعبیری، آینده جوامع و توسعه کشورها درگرو اهتمام دولت‌ها به فراهم‌سازی ظرفیت‌هایی برای ایجاد و تقویت توانمندی‌های جوانان روستایی در شناسایی و خلق فرصت‌های شغلی پایدار و به تعبیر صحیح‌تر «اشتغال‌پذیری» به معنای «ظرفیت و توانمندی در کسب، حفظ و پیشرفت شغلی» است.

اشتغال‌پذیری، با وجود سابقه طولانی در حوزه نظری، همچنان به‌عنوان یکی از رویکردهای پرطرفدار در مباحث توسعه اشتغال مطرح بوده و با نگاهی بین‌رشته‌ای به مقوله اشتغال، به الزامات و استراتژی‌های مناسب برای ایجاد و تقویت ظرفیت‌ها و بسترهای لازم برای تأمین اشتغال و خلق فرصت‌های شغلی توجه دارد. اشتغال‌پذیری در بیانی ساده، آمادگی برای کسب یک شغل، انجام دادن کار و برخورداری از دانش، اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که به فرد در کسب یک شغل و ایفای

نقش مؤثر در بازار کار کمک می‌کند. از منظری دیگر، اشتغال‌پذیری بخشی از هویت فرد است که در اثر تجربه واقعی فرد از محیط و بازار کار شکل می‌گیرد.

در تعاریف و مفهوم‌پردازی‌های صورت گرفته پیرامون اشتغال‌پذیری، به دامنه نسبتاً وسیعی از شایستگی‌ها و ویژگی‌هایی که فرد را برای کسب و حفظ یک شغل توانمند می‌سازد و نیز شرایط و عوامل متنوعی که برای توسعه آن ضرورت دارد، اشاره شده است که این امر پیچیدگی و دشواری مفهوم‌پردازی آن در فضای تئوریک را نمایان می‌سازد (Williams et al., 2016). بعلاوه در عرصه عمل نیز اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های اشتغال‌پذیری، از سطح بالایی از پیچیدگی برخوردار بوده و موفقیت آن نیازمند کنشگری و مداخله فعال و هوشمندانه، مبتنی بر مدل و فرایندی مناسب در ساختار یک نظام کارآمد است. از طرفی تغییرپذیری شرایط جامعه و محیط پیرامون و نیز تغییرات مشهود در حوزه فناوری، نیاز به تغییر مستمر در اندیشه، دانش و توانمندی‌های شاغلین برای حفظ مشاغل و ورود به حوزه‌های کاری جدید را بیش از پیش محرز ساخته و پایداری اشتغال‌پذیری جوانان در مشاغل آینده را با چالش جدی مواجه نموده است که این امر تدبیر مؤثر برای همگامی روند برنامه‌های اشتغال‌پذیری با تغییرات جوامع و الزامات فناورانه را ضروری می‌نماید.

تغییرات و تحولات رخ داده در عرصه‌های علمی، فناوری و اجتماعی حداقل از دو بعد شرایط اشتغال جوانان در محیط‌های روستایی را تحت تأثیر قرار داده است که در هر دو بعد، نیاز به تدبیر شایسته برای پایش و اصلاح مستمر برنامه‌های اشتغال‌پذیری احساس می‌شود. در بعد نخست، به مرور بسیاری از مشاغل به سبب تغییرات رخ داده به‌ویژه در حوزه دانش و فناوری‌های نوین، کارایی خود را از دست داده و یا به نوعی تداوم وضعیت کنونی آن‌ها برای شاغلین و جامعه سودمندی ندارد. در بعد دیگر، در اثر تحولات پیش‌آمده و پیش‌بینی تحولات پیش‌رو، به مرور نیاز جدی به برخی مشاغل جدید مبتنی بر فناوری‌های نوین برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر در جوامع روستایی نمایان می‌شود. به عبارتی ظهور و بروز فناوری‌های نوین و دیگر تحولات ناشی از آن، از سویی برخی مشاغل موجود در محیط‌های روستایی را تهدید می‌نماید و از سویی دیگر، فرصت‌های شغلی جدیدی پیش روی این جوامع قرار می‌دهد که قطعاً با دوراندیشی و اهتمام ویژه در طراحی فرایندها و برنامه‌های اشتغال‌پذیری کارآمد، ظرفیت‌های جدیدی برای اشتغال جوانان روستایی در حوزه‌های مرتبط با فناوری‌های نوین پدیدار خواهد شد. بدین ترتیب، نوعی تدبیر و دوراندیشی در بازتعریف و اصلاح فرایندها و برنامه‌های اشتغال‌پذیری جوانان روستایی برای جهت‌دهی به آینده مشاغل و کسب و کارها مورد نیاز است که درگروه شاغلین فعلی، نیاز به نوسازی مستمر دانش و توانمندی‌های شغلی و تعریف حوزه‌های کاری جدید، متناسب با شرایط و نیازهای روز و درگروه جوانان (به‌عنوان شاغلین آینده) هم نوعی آینده‌نگری دقیق و هوشمندانه برای بازتعریف فرایندها و برنامه‌های توانمندسازی و اشتغال‌پذیری این گروه و جهت‌دهی به دانش، نگرش و توانمندی‌های آن‌ها متناسب با الزامات و شرایط دنیای پیش رو ضرورت می‌یابد.

با ظهور و توسعه فناوری‌های دیجیتال در عصر حاضر، مهارت استفاده از فناوری‌های مبتنی بر اینترنت و فضای دیجیتال، به بخشی از مهارت‌های زندگی و یکی از الزامات حضور و مشارکت فعالانه در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدل شده است. فناوری‌های مبتنی بر اینترنت، فضای دیجیتال، اتوماسیون، هوش مصنوعی، رباتیک و دیگر فناوری‌های مرتبط، به شدت در حال اثرگذاری بر ماهیت و فرایند مشاغل و کسب و کارها بوده و این امر نیاز روز افزون به برخورداری شاغلین بخش کشاورزی و محیط‌های روستایی از دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای فعالیت اثربخش در این فضاها و توانمندی برای خلق فرصت‌های جدید کسب و کار در این بسترها را محرز می‌نماید. به تعبیری، نیاز به کسب دانش جدید و مهارت‌های مرتبط با این فناوری‌ها، به‌عنوان یکی از ابعاد مهم صلاحیت‌ها و مهارت‌های اشتغال‌پذیری جوانان روستایی، ضرورت نوعی بازاندیشی در برنامه‌ها و رویه‌های مهارت‌زایی و توانمندی برای اشتغال‌پذیری جوانان روستایی را نشان می‌دهد.

مهارت‌های سواد دیجیتال، از جمله مفاهیم پر تکرار در ادبیات توسعه انسانی در دهه گذشته بوده و محققان زیادی نیز با اشاره به اهمیت برخورداری شاغلین و صاحبان کسب و کارهای امروز و آینده از دانش و مهارت‌های مرتبط با فناوری‌های نوین و دیجیتال، این دسته از مهارت‌ها را در ردیف صلاحیت‌های مورد نیاز برای اشتغال‌پذیری تعریف نموده‌اند. مهارت سواد دیجیتال، در بیانی ساده، دانش و مهارت لازم برای زندگی، یادگیری و فعالیت مؤثر در جامعه دیجیتال است که به شهروندان کمک می‌کند با تمرکز بر مهارت‌های دیجیتال، از فناوری‌ها و ابزارهای ارتباطی نظیر تلفن همراه هوشمند، تبلت و لپ‌تاپ به

نحو مؤثر استفاده نموده و با روش‌های مبتنی بر کامپیوتر، اطلاعات را در قالب‌های گوناگون کسب و درک نموده و در زندگی به کار گیرند (کاظم‌پوریان و عبدلی، ۱۳۹۵). در گزارش یونیسف (UNICEF, 2018) در تبیین چارچوبی برای صلاحیت‌های مرتبط با سواد دیجیتال به مواردی نظیر سواد داده و اطلاعات، تعامل و ارتباطات، خلق محتوای دیجیتال، امنیت و شناسایی و حل مسئله اشاره شده و سه سطح پایه، میانی و پیشرفته برای معرفی مهارت‌های دیجیتال در نظر گرفته شده است. همچنین در نوع‌شناسی جدیدی که توسط یونیسف از مجموعه مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال‌پذیری و کارآفرینی نوجوانان و جوانان ارائه شده، مهارت‌های دیجیتال (Digital Skills) در کنار چهار دسته دیگر شامل مهارت‌های سواد پایه (Foundational Skills)، مهارت‌های زندگی (Life Skills) نظیر مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های نرم، مهارت حل مسئله، مدیریت احساسات و عواطف، ارتباطات و غیره، مهارت‌های کارآفرینانه (Entrepreneurial Skills) و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط با مشاغل (Technical and Vocational Skills) معرفی شده و بر ایجاد و تقویت مهارت‌های مرتبط با سواد دیجیتال به‌عنوان یکی از الزامات کسب توانمندی اشتغال‌پذیری نوجوانان و جوانان تأکید شده است.

با ظهور پرشتاب فناوری‌های دیجیتال و احاطه آن به همه عرصه‌های زندگی اجتماعی اقتصادی، به مرور سواد دیجیتال به یک الزام برای زندگی و کار امروز بدل شده و طبیعتاً جوانان به‌عنوان فعالان اقتصادی دنیای آینده، در زمره گروه‌هایی هستند که بیشترین نیاز را به دانش و مهارت دیجیتال خواهند داشت و توانمندی آن‌ها در اشتغال‌پذیری، به‌طور قطع در گرو بهره‌مندی آن‌ها از این نوع دانش و مهارت‌ها بوده و عدم تطابق سطح یادگیری مهارت‌های دیجیتال در نظام‌های آموزشی و مهارتی با سرعت پیشرفت آن در فضای کسب و کار، چالش و تهدیدی جدی برای آینده شغلی جوانان خواهد بود. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان متولی آموزش‌های غیررسمی در کشور، از جمله سازمان‌هایی است که با درک این چالش و تهدید برای شاغلین مشاغل آینده و ضرورت تدبیر برای تبدیل آن به یک فرصت، به مداخله مؤثر در این حوزه ورود نموده و در سند جامع برنامه‌های آموزشی خود، یکی از راهبردهای اساسی سازمان را «توسعه و تضمین کیفیت آموزش‌های مهارتی مطابق با تحولات فناوری» با تأکید بر «توسعه آموزش‌های مهارتی مرتبط با فضای دیجیتال و دیجیتال‌سازی فرایندهای آموزش‌های مهارتی» قرار داده است که در این مسیر طرح‌هایی برای توسعه و تقویت مهارت جوانان در همین حوزه‌ها تعریف شده و به مرحله اجرا درآمده است که این امر می‌تواند نمایانگر توجه نظام مهارتی کشور به اهمیت این موضوع باشد.

بدون شک در برنامه‌های توانمندسازی جوانان روستایی نیز توجه همه‌جانبه به تقویت توانمندی‌های اشتغال‌پذیری برای ورود مؤثر جوانان به فرصت‌های مشاغل آینده کشور گامی در مسیر عملیاتی‌سازی راهبردهای نوین توسعه اشتغال تلقی می‌شود که ضرورت دارد با تلفیق مهارت دیجیتال در دیگر مهارت‌های اشتغال‌پذیری و کارآفرینی جوانان روستایی، به‌گونه‌ای همه‌جانبه، توانمندسازی جوانان روستایی مدنظر قرار گیرد. بر همین اساس در نوشتار حاضر، با عطف توجه به نقش مهارت‌های دیجیتال در توانمندسازی جوانان روستایی برای مشاغل آینده و اهمیت و ضرورت طراحی یک نظام نوین و فرایند کارآمد، همراه با سازوکارهای دقیق و مؤثر مهارت‌افزایی، تجربه‌گری، هدایت و تسهیل‌گری، به‌عنوان رویکردی برای جبران شکاف مهارتی جوانان روستایی و توانمندسازی آن‌ها برای کسب مشاغل آینده، توصیه‌های برای بازطراحی و ورود نظام‌های آموزش غیررسمی نظیر ترویج و آموزش کشاورزی به این عرصه ارائه شده است. بدیهی است تمرکز بر این رویکرد برای تقویت مجموعه‌ی توانمندی‌ها و مهارت‌ها در مسیر بهبود ظرفیت اشتغال‌پذیری این گروه از جوانان برای مشاغل آینده، می‌تواند رویارویی اثربخش یا چالش‌های آینده اشتغال روستایی در بستر فناوری‌های دیجیتال و موفقیت جریان گذار جوانان به فضای مطلوب بازار کار آینده را در سطح بالاتری تضمین نماید.

مروری بر مفاهیم و مدل‌های اشتغال‌پذیری و نقش مهارت سواد دیجیتال

با وجود اینکه در چند دهه گذشته، مطالعات متعددی در راستای تبیین مقوله اشتغال‌پذیری و ابعاد و مؤلفه‌های آن انجام شده، ولی همچنان مطالعات مرتبط با این مفهوم و ابعاد آن در حال توسعه و تکامل است که همین موضوع نیز به نوعی حکایت از تأثیرپذیری مدل‌ها و فرایندهای اشتغال‌پذیری از تغییر شرایط و ویژگی‌های جامعه و به تبع آن تغییر در الزامات کسب و حفظ شغل برای شاغلین و افراد جویای کار دارد.

با دقت در تعاریف و مفاهیم ارائه شده پیرامون اشتغال‌پذیری می‌توان به دامنه نسبتاً گسترده‌ای شامل تعریف‌هایی ساده با شاخص‌هایی نظیر داشتن یا نداشتن شغل تا تعاریف نسبتاً پیچیده مشتمل بر تنوعی از قابلیت‌ها و شرایط برای کسب و

پایداری یک شغل دست یافت (Pool & Sewell, 2007). هیلاج و پولارد در تأیید دشواری مفهوم‌پردازی اشتغال‌پذیری، در برداشتی ساده، اشتغال‌پذیری را به‌صورت توانایی و قابلیت یک فرد برای کسب و حفظ یک شغل قابل تعریف دانسته‌اند، در حالی که به اعتقاد آن‌ها، اشتغال‌پذیری را در بیانی عمیق‌تر باید قابلیت یک فرد برای حرکت مستقل در بازار کار و دستیابی به نهایت توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود در کسب یک شغل پایدار دانست (Hillage & Pollard, 1998). بر پایه نظرات ارائه شده از سوی برخی محققان، اشتغال‌پذیری ممکن است به عنوان ویژگی‌ها، مهارت‌ها، شایستگی‌ها و توانایی‌های فرد برای یافتن شغل و ادامه کار تعریف یا توصیف شود. در حالی که بر مبنای برخی دیدگاه‌ها، اشتغال‌پذیری به رشد و یادگیری این توانایی‌ها و کیفیت‌ها برای کل زندگی کاری فرد ارتباط دارد. بر همین اساس، محققان تلاش زیادی کرده‌اند تا دریابند که چه ویژگی‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌هایی برای اشتغال‌پذیر ساختن یک فرد مورد نیاز است (Alrifai & Raju, 2019).

در مدل نسبتاً ساده‌ای از اشتغال‌پذیری که به‌منظور تدارک دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی در نظام‌های آموزشی پیشنهاد شده، پنج عنصر اصلی شامل دانش تخصصی، مهارت‌های تخصصی، آگاهی از بازار کار، کسب تجربه بازار کار و کسب برخی مهارت‌های عمومی مد نظر قرار گرفته است (Bennett, 2006). البته این مدل با آنکه تا حدودی دربردارنده عناصر ضروری برای کسب توانمندی‌های اشتغال‌پذیری بود و این اطمینان را می‌داد که افراد با کسب این مجموعه از دانش و مهارت‌ها، به سطح مطلوبی در اشتغال‌پذیری دست خواهند یافت، به سبب اینکه برخی از عناصر مهم را در بر نداشت مورد انتقاد قرار گرفت (Pool & Swell, 2007).

در یکی از مدل‌های دیگر در این زمینه ((USEM) Understanding, Skills, Efficacy beliefs and Metacognition)، مجموعه‌ای وسیع‌تری شامل درک اطلاعات، مهارت‌ها، باور به کارآمدی و فرانشاخت به‌عنوان اجزای اصلی اشتغال‌پذیری مورد توجه قرار گرفته است (Knight & Yorke, 2002). همچنین در مدل دیگری که توسط پول و سیول (Pool & Sewell, 2007)، تحت عنوان (Career Development Learning Experience (Work & Life) Degree Subject Knowledge, Understanding &) Skills Generic Skills, Emotional Intelligence (Carrer EDGE) ارائه شده، به ابعادی نظیر دانش و مهارت تخصصی، مهارت‌های عمومی، هوش هیجانی، تجربه کار و زندگی و یادگیری توسعه شغلی پرداخته شده است. در این مدل که شاید بتوان آن را یکی از پرطرفدارترین مدل‌های ارائه شده در زمینه اشتغال‌پذیری در پنج دهه گذشته دانست (Smith et al., 2014)، اشاره‌ای به تنوعی از ویژگی‌ها، معلومات، صلاحیت‌ها و مهارت‌ها در تعریف و تبیین مفهوم اشتغال‌پذیری شده و بر چندبعدی بودن این مفهوم و به تبع آن پیچیدگی فرایند و تنوع محتوای برنامه‌های اشتغال‌پذیری تأکید شده است. این مدل بر اساس این مفهوم از اشتغال‌پذیری ارائه شده است که: «اشتغال‌پذیری به معنای مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش، اطلاعات و ویژگی‌های شخصی است که فرد را در انتخاب و حفظ شغلی که در آن بتواند راضی و موفق عمل نماید، توانمندتر می‌سازند». این تعریف به عنوان یک نقطه شروع به‌منظور توسعه یک چارچوب نظری و عملیاتی برای اشتغال‌پذیری به نام «کلیدی برای موفقیت» مورد استفاده قرار گرفته است. طراحی این مدل انعکاس دهنده‌ی تأکید بر این موضوع است که هر یک از این عناصر کاملاً ضروری بوده و عدم حضور یک عنصر، اشتغال‌پذیری افراد را کاهش می‌دهد. به اعتقاد فیلیپس و همکاران (Phillips et al., 2010)، این مدل تا حدود زیادی مشکلات مدل‌های قبلی اشتغال‌پذیری را برطرف نموده و مدلی است که می‌توان آن را در سطح وسیع‌تری قابل پذیرش دانست.

از جمله چارچوب‌های ارائه شده در مورد اشتغال‌پذیری که با یک رویکرد عملی به فرایند توسعه اشتغال‌پذیری نگریده، چارچوبی است که توسط هاروی (Harvey, 2010) مورد بحث قرار گرفته و در آن به نقش مؤسسات آموزشی در تأمین طیف وسیعی از فرصت‌های بهبود ظرفیت اشتغال‌پذیری نظیر توان خود ابرازی و یادگیری مادام‌العمر اشاره شده است. مدل شایستگی‌های یکپارچه اشتغال‌پذیری، مدل دیگری است که توسط ولمن (Wellman, 2010) پیشنهاد شده و در آن به تعامل بین عناصر مختلف دانش، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی برای ایجاد سطح بهبودیافته‌ای از قابلیت اشتغال‌پذیری اشاره شده است. در این مدل، رویکرد نوینی از اشتغال‌پذیری در تلفیق مهارت‌های فنی و حرفه‌ای با برخی صلاحیت‌های عمومی در سطح خرد و رفتارها و نگرش‌هایی در سطح کلان مطرح شده است که در سطح کلان، بر ضرورت اصلاح سیاست‌ها، راهبردها، نظام‌ها و منابع برای ارتقای مؤثر ظرفیت‌های اشتغال‌پذیری تأکید شده است. مدل سفر اشتغال (Journey of Employment) از دیگر مدل‌های مطرح در حوزه اشتغال‌پذیری است (Copps & Plimmer, 2013) که مدل ارائه شده توسط ولمن را به چالش کشیده

و بر این نکته تأکید دارد که فرآیند اشتغال یک فرایند خطی نیست و تنوعی از عوامل در توسعه و بهبود آن مؤثر است. به عبارتی سفر هر فرد به مقصد اشتغال، متفاوت از دیگران بوده و نمی‌توان مسیر واحدی برای توسعه اشتغال همگان ارائه نمود. در این مدل همچنین بر این نکته تأکید شده است که مقصد نهایی فرایند توسعه اشتغال‌پذیری، تنها کسب و حفظ شغل نیست، بلکه کیفیت شغل و رضایت درونی فرد، موضوعی است که در این فرایند از اهمیت بسیار برخوردار است. علاوه بر موارد ذکر شده، مدل‌ها و چارچوب‌های تئوریک و فرایندهای عملیاتی دیگری نیز در این زمینه از سوی محققان ارائه شده و این مسیر همچنان نیازمند پیدایش مدل‌هایی ساده و در عین حال کارآمد، برای تبیین ابعاد اشتغال‌پذیری و فرایند توسعه آن می‌باشد (Sumanasiri *et al.*, 2015).

با ظهور فناوری‌های نوین و فضای دیجیتال و تأثیر آن بر مشاغل و توانمندی‌های اشتغال‌پذیری، در مطالعات فراوانی به‌ویژه در دهه گذشته، بر ضرورت یادگیری مهارت‌های دیجیتال برای کسب و نگهداشت مشاغل تأکید شده است (Bughin *et al.*, 2019; Fossen & Sorgner, 2017; Frey & Osborne, 2018). به‌گونه‌ای که هیچ شغلی مصون از تغییرات فناوری‌های نوین و دیجیتالی شدن فضای کسب و کارها نبوده و بازسازی مهارتی و کسب مهارت‌های جدید برای همگان امری ضروری است. به همین ترتیب، در مطالعات حوزه اشتغال‌پذیری نیز به ضرورت تلفیق مهارت‌های مرتبط با سواد دیجیتال با مهارت‌های اشتغال‌پذیری اشاره شده و در مدل‌ها و فرایندهای توسعه اشتغال‌پذیری، به مهارت‌های مرتبط با شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانش و فناوری‌های دیجیتال جایگاه و نقش ویژه‌ای داده شده است (Di Gregorio *et al.*, 2019; Lissitsa *et al.*, 2019). به همین ترتیب، در مطالعات جدید به اهمیت یادگیری مهارت‌های سواد دیجیتال در برنامه‌های آموزش کسب و کار و کارآفرینی تأکید شده است (Olaniyi, 2022).

در مطالعات یونیسف در زمینه برنامه‌های اشتغال‌پذیری نیز در طی سال‌های گذشته، تأکید و تمرکز زیادی بر کسب مهارت سواد دیجیتال شده است. در مدل ساده‌ای که توسط یونیسف برای معرفی ابعاد مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال‌پذیری جوانان و گذار موفقیت‌آمیز آن‌ها از مدرسه به محیط کار ارائه شده به چهار دسته مهارت به شرح زیر اشاره شده است (Wilson-Clark & Saha, 2019):

- ۱- مهارت‌های پایه شامل سواد پایه و دانش محاسبات، مهارت‌هایی که بدون توجه به نوع شغل برای همگان مورد نیاز است و برای یادگیری بیشتر، اشتغال مولد و مشارکت مدنی ضروری است.
 - ۲- مهارت‌های قابل انتقال نظیر خلاقیت، ارتباطات و حل مسئله که مورد نیاز همه است. برخورداری از چنین مهارت‌هایی جوانان را قادر می‌سازد تا در یادگیری مادام‌العمر شرکت کنند و با تغییرات سریع شرایط اقتصاد و جامعه سازگار شوند و در نتیجه شانس خود را برای یافتن و حفظ شغل افزایش دهند. این مهارت‌ها را می‌توان در سه دسته زیر طبقه‌بندی نمود:
 - مهارت‌های شناختی: مربوط به تفکر و توانایی تمرکز است. مهارت در حل مشکل، انتخاب آگاهانه و تعیین برنامه‌ها و اهداف.
 - مهارت‌های اجتماعی: در ارتباط با تعامل با دیگران از جمله توانایی برقراری ارتباط، همکاری، حل تعارض‌ها و مذاکره
 - مهارت‌های عاطفی: شامل مهارت‌هایی که به درک و تنظیم احساسات، مقابله با استرس، درک احساسات دیگران و توانایی همدلی با دیگران مربوط می‌شود.
 - ۳- مهارت‌ها و دانش دیجیتال: برای حمایت از آشنایی کودکان و نوجوانان با سواد دیجیتال ضروری است. جوانان با بهره‌گیری از سواد دیجیتالی می‌توانند فناوری‌های نوین را صحیح درک و از آن استفاده کنند، اطلاعات را جستجو و مدیریت کنند، در برقراری ارتباط، همکاری، تولید محتوا و به اشتراک‌گذاری آن کمک کنند. همچنین به خلق دانش نوین پرداخته و برای رفع مشکلات خود متناسب با زبان و فرهنگ خود راه‌حل‌های خلاقانه ارائه دهند.
 - ۴- مهارت‌های فنی و حرفه‌ای: که با یک یا چند شغل مرتبط هستند. هرچه کاربرد یک مجموعه مهارت گسترده‌تر باشد، دارنده این مهارت‌ها می‌تواند در یک بازار کار در حال تغییر، انعطاف‌پذیرتر عمل کند.
- گروه بیست اقتصاد بزرگ (G 20) از دیگر نهادهایی است که شکاف مهارت‌های دیجیتال در عصر حاضر را مورد توجه قرار داده و در گزارش سال ۲۰۱۹ خود (Lyons *et al.*, 2019)، با ارائه توصیه‌هایی برای آینده کار و آموزش در عصر دیجیتال، بر ضرورت پرداختن به آموزش مهارت‌های دیجیتال به‌ویژه در جوامع و اقتصادهای آسیب‌پذیر تأکید نموده است. در توصیه‌های

گروه بیست برای دستیابی به اشتغال پذیری از مسیر توسعه توانمندی‌های دیجیتال، یک رویکرد آموزشی چند سطحی برای پر کردن شکاف دیجیتال در جوامع آسیب‌پذیر معرفی شده است که شامل:

اصلاح نظام‌های آموزشی موجود برای فراهم‌سازی بهتر فرصت‌های یادگیری مهارت‌های دیجیتال برای دانش آموزان حمایت از چارچوب‌های برابری فرصت‌های آموزشی و یادگیری مادام‌العمر توانمندسازی و ترویج برنامه‌های کارآموزی و کارورزی

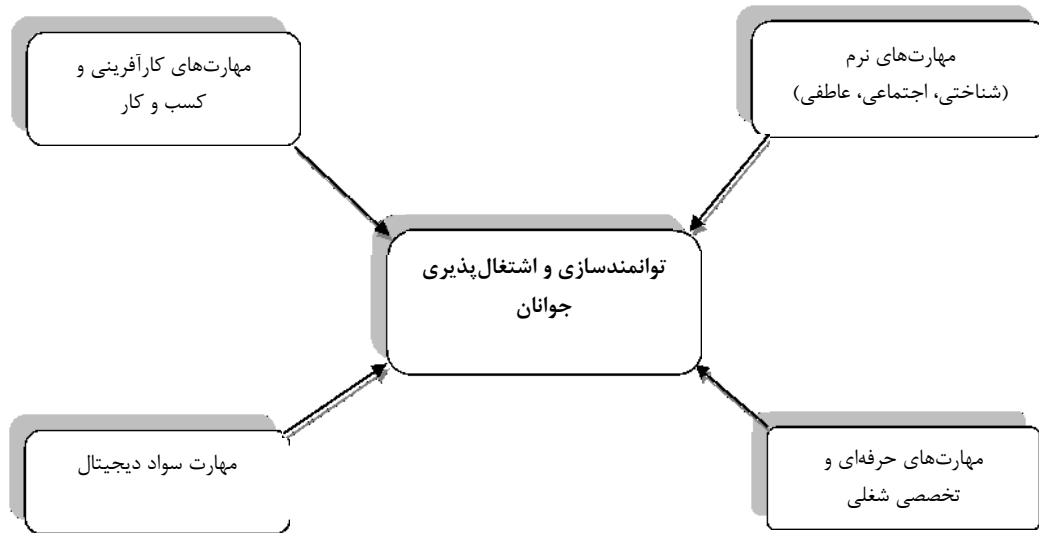
تسهیل در ایجاد الگوهای آموزشی جایگزین و غیر رسمی برای آموزش مهارت‌های دیجیتال و ارائه فرصت‌های یادگیری شخصی‌سازی شده و انعطاف‌پذیرتر می‌باشد.

در توصیه‌های گروه بیست برای توسعه مهارت‌ها و آموزش‌های اشتغال‌پذیری در عصر دیجیتال، به ارائه مهارت‌های نرم مانند حل مسئله، تفکر انتقادی، خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی و رهبری در کنار آموزش‌های سواد دیجیتال تأکید شده است.

کمیسون اروپا در برنامه حمایت از توسعه صلاحیت دیجیتال (Digital Competence) برای اشتغال‌پذیری (Centeno et al., 2019)، با اشاره به اینکه امروزه ماهیت مشاغل و محیط کار و زندگی شهروندان به شدت تحت تأثیر دیجیتالی شدن بوده و نداشتن دانش و تجربه در مهارت دیجیتال و یا عدم اطمینان به توانمندی‌های دیجیتال در کارکنان و جویندگان کار یک چالش جدی است، صلاحیت دیجیتال را یکی از عوامل ضروری برای اشتغال‌پذیری، دستیابی به انتخاب‌های شغلی بهتر، یافتن مشاغل با کیفیت‌تر و در نهایت بهبود کیفیت زندگی شهروندان معرفی نموده و به ارائه چارچوبی برای صلاحیت دیجیتال شهروند آنکه در آن مهارت‌های دیجیتال مورد نیاز شهروندان، برای کسب قابلیت‌های ضروری دیجیتال تعریف شده، پرداخته است. در این چارچوب، پنج دسته مهارت اصلی به‌عنوان ابعاد مهارت‌های دیجیتال معرفی شده است که شامل سواد داده و اطلاعات، مهارت ارتباطات و همکاری، مهارت حل مسئله، تولید محتوای دیجیتال و دانش امنیت فضای دیجیتال می‌باشد. در این برنامه که بر مبنای مطالعات متعددی در کشورهای مختلف انجام شده، آموزش مهارت دیجیتال به‌عنوان عنصری ضروری در مجموعه صلاحیت‌های کارآفرینی و کسب و کار معرفی شده و طرح آموزش و تقویت صلاحیت‌های دیجیتال در کنار صلاحیت‌های کارآفرینی (شامل دانش، مهارت و نگرش‌های مورد نیاز برای کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار) برای تقویت ظرفیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموزان، آموزش‌گران، مدیران مراکز آموزشی و نیز شهروندان ارائه شده است.

مدل پیشنهادی توانمندسازی و اشتغال‌پذیری جوانان روستایی با تمرکز بر مهارت سواد دیجیتال

بر مبنای آنچه در بخش قبل به اجمال در مورد مدل‌های نظری و تجربی در زمینه برنامه‌های تقویت مهارت‌های دیجیتال برای توسعه ظرفیت اشتغال‌پذیری ارائه شد و نیز بر مبنای رویکرد نظام‌های آموزش غیررسمی در تلفیق آموزش مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای (مهارت‌های سخت) با مجموعه مهارت‌های نرم مورد نیاز (اعم از مهارت‌های مرتبط با حوزه‌های شناختی، اجتماعی، مدیریت و کارآفرینی)، کلیات مؤلفه‌های مدل پیشنهادی توانمندسازی و اشتغال‌پذیری مورد نظر جوانان روستایی مشتمل بر چهار حوزه کلی شامل مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی، مهارت‌های نرم (شامل دانش، نگرش و مهارت در حوزه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی، ارتباطی، کار تیمی، حل مسأله و غیره)، مهارت‌های مرتبط با کارآفرینی و کسب و کار (خلاقیت، نوآوری، فرصت شناسی، بازاریابی و غیره) و مهارت‌های مرتبط با سواد دیجیتال پایه و کاربردی (آنالیز و پردازش کلان داده، طراحی و مدیریت انواع پلتفرم، سایت و اپلیکیشن‌های کاربردی، تولید و مدیریت محتوای دیجیتال، طراحی شبکه‌ها و رسانه‌های مجازی، تبلیغات و بازاریابی دیجیتال، سواد مالی دیجیتال و غیره) می‌باشد. بر مبنای آنچه در بخش‌های قبل گفته شد، در این مدل، برنامه جامع توانمندسازی شغلی جوانان روستایی منطبق بر شکل زیر و مشتمل بر آموزش دانش و مهارت‌های مرتبط با سه حیطه «مهارت‌های کارآفرینی و کسب و کار»، «مهارت‌های نرم» و «مهارت‌های سواد دیجیتال» به‌عنوان مکمل دانش و مهارت‌های حرفه‌ای مرتبط با مشاغل مختلف (مهارت‌های فنی و حرفه‌ای معمول در برنامه‌های آموزش کارآفرینی و اشتغال‌زایی جوانان روستایی)، ارائه می‌شود تا بر اساس آن چارچوب نظام دانش و مهارت جوانان برای کسب توانمندی اشتغال در مشاغل آینده بر بستر فناوری‌های دیجیتال تکمیل شود.



نگاره ۱- چارچوب کلی ابعاد مهارت‌های اشتغال‌پذیری جوانان روستایی در مشاغل آینده، با تأکید بر مهارت سواد دیجیتال

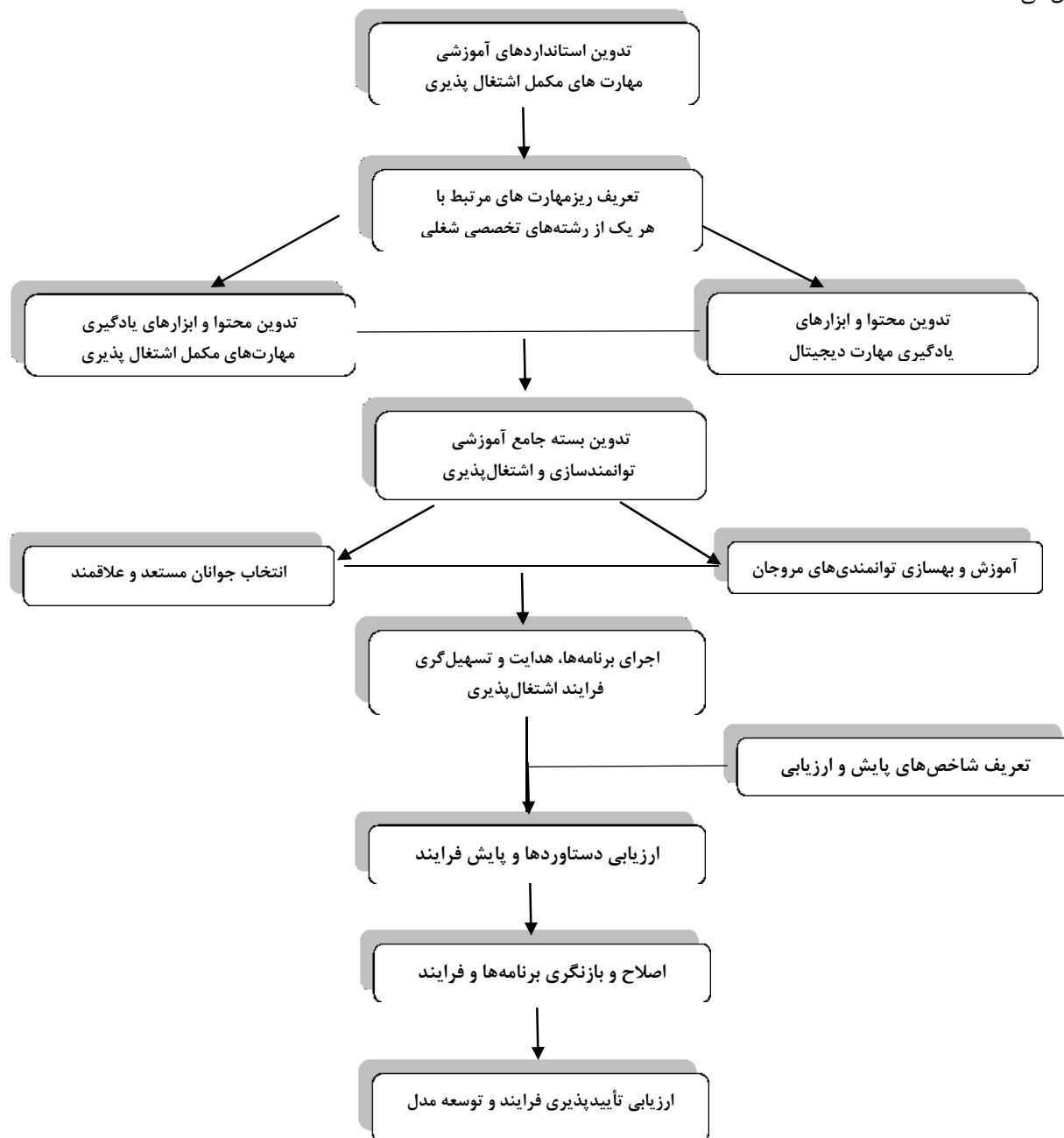
نقش نظام ترویج در تحول برنامه‌های اشتغال‌پذیری جوانان برای مشاغل آینده

در دنیای امروز نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی از جمله نظام ترویج و آموزش کشاورزی، نقش مهمی در تربیت و توانمندسازی نیروی انسانی و پرورش مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای دستیابی به فرصت‌های شغلی دارند. در حقیقت هدف اصلی نظام‌های آموزش مهارتی مانند نظام ترویج کشاورزی، تربیت افرادی است که بتوانند از مهارت‌های کسب شده در جریان آموزش به طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری نموده و یا توانایی خلق فرصت‌های شغلی مناسب را برای خود داشته باشند. با توسعه جوامع و تنوع فرصت‌های شغلی، شیوه‌های سنتی یادگیری مهارت‌های شغلی دیگر پاسخگوی نیاز جوامع و افراد جویای کار نیست. بر همین اساس روز به روز بر اهمیت آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های شغلی و کارآفرینی افزوده شده و دولت‌ها اهتمام جدی‌تری به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های برای توسعه توانمندی‌های افراد و ارتقای ظرفیت‌های اشتغال‌پذیری جوانان برای راه‌اندازی و هدایت کسب و کار متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی و نیازهای جامعه نموده‌اند. بدین ترتیب امروزه یکی از مأموریت‌های اصلی نظام ترویج و آموزش کشاورزی، آموزش و توانمندسازی شغلی جوانان روستایی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های کارآفرینانه در محیط‌های روستایی و از سویی آماده‌سازی آن‌ها برای مشاغل آینده می‌باشد. بدون شک ورود مؤثر به این حوزه جدید مأموریتی، در گام اول نیازمند درک ضرورت و اهمیت تحول در برنامه‌های آموزشی نظام ترویج متناسب با شرایط امروز و آینده و نیازهای در حال تغییر مخاطبین و سپس تعریف کار ویژه‌های مناسب برای دستیابی به این هدف می‌باشد.

با تغییر ساختار اقتصادی کشورها و همچنین تحول در سطح انتظارات و نیازهای جامعه و از همه مهم‌تر تغییر پرشتاب فناوری، الگوهای اشتغال‌پذیری و آموزش‌های کارآفرینی، مدام در حال تغییر بوده و ضرورت دارد نظام آموزش‌های مهارتی نظیر ترویج کشاورزی نیز هم‌زمان با این تغییرات، تحول یافته و در راستای نیازهای جامعه و الزامات آن، ابعاد محتوایی و فرایندی آموزش‌ها را بازسازی نماید. از سویی با ظهور و توسعه شتابان فناوری‌های نوین و به‌طور خاص فناوری‌های حوزه دیجیتال، تغییر رویکرد نظام‌های آموزش مهارتی و جهت‌گیری به مشاغل مبتنی بر فناوری‌های نوین امری ضروری است. بدین ترتیب در نظام‌های آموزش کارآفرینی برای جوانان روستایی، نوعی ضرورت برای حرکت هوشمندانه از آموزش‌های مهارتی تقاضامحور مبتنی بر نیازها و شرایط فعلی جامعه و فضای کسب و کار، به سمت آموزش‌های مبتنی بر شرایط آینده و فناوری‌های نوظهور احساس می‌شود. بدون شک ورود نظام آموزش ترویج به این عرصه، علاوه بر زمینه‌سازی برای اشتغال‌پذیری جوانان در مشاغل آینده، فراهم‌ساز زمینه‌های لازم برای توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری‌های نوین خواهد بود که در نوع خود آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی و اجتماعی برای جامعه خواهد داشت.

از سویی دیگر، پرداختن به آموزش مهارت‌های اشتغال‌پذیری جوانان با هدف ارتقای دانش کاربردی و ایجاد مهارت‌های جدید در آنان، شکوفایی استعدادهای نهفته آن‌ها را در پی خواهد داشت. علاوه‌بر نظام‌های ترویجی می‌توانند با تغییر ذهنیت جوانان نسبت به کسب مهارت‌های نرم و کارآفرینی در کنار آموزش‌های رسمی و همچنین ضرورت کسب مهارت‌های سواد دیجیتال برای توانمندی در شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی آینده، سهم مؤثری در توانمندسازی ظرفیت‌های اشتغال‌پذیری جوانان روستایی برای مشاغل آینده داشته باشند.

تصویر زیر خلاصه‌ای از روند فعالیت‌ها و برنامه‌های عملیاتی پیشنهادی برای نقش‌آفرینی مؤثرتر نظام ترویج و آموزش کشاورزی در برنامه‌های توسعه اشتغال‌پذیری جوانان روستایی با تأکید بر تلفیق مهارت‌های سواد دیجیتال در محتوای برنامه‌های اشتغال‌پذیری را نشان می‌دهد.



نگاره ۲- فرایند پیشنهادی اجرای برنامه‌های توانمندسازی و اشتغال‌پذیری جوانان برای مشاغل آینده با تأکید بر مهارت‌های سواد دیجیتال

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر مبنای آنچه در مورد تغییر رویکردهای نظری مرتبط با مباحث اشتغال‌پذیری بر مبنای الزامات فناوری‌های نوین و شرایط و الزامات امروز و آینده جوامع گفته شد و از سویی بر مبنای آینده‌نگری زمینه‌ها و ظرفیت‌های شغلی آینده، نیاز به یک تغییر رویکرد و محتوا در نظام ترویج و آموزش کشاورزی در حیطه برنامه‌های مرتبط با آموزش جوانان روستایی احساس شده و ضرورت دارد نظام ترویج با جلب همکاری سایر نهادهای آموزشی رسمی و غیررسمی مرتبط با توانمندسازی شغلی جوانان روستایی، آغازگر تغییر مسیر و محتوای برنامه‌های اشتغال‌پذیری جوانان روستایی متناسب با اقتضات جدید و شرایط آینده نظام اقتصادی اجتماعی روستا و بخش کشاورزی باشد و به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و مؤثر در اکوسیستم اشتغال و کارآفرینی روستایی کشور، نقش مؤثری در جهت‌دهی برنامه‌های آموزش کارآفرینی جوانان روستایی برای دستیابی به سهم بالاتری از اشتغال آینده را داشته باشد.

با توجه به کارکردهای نظام ترویج در محیط‌های روستایی برای ورود مؤثر به برنامه‌های اشتغال‌پذیری جوانان روستایی با این رویکرد، می‌توان به توصیه‌های زیر برای اصلاح فرایند و محتوای آموزش‌های شغلی جوانان روستایی اشاره کرد:

- پیشتازی در تلفیق دانش و مهارت دیجیتال در برنامه‌های توانمندسازی شغلی برای رفع نیازهای شغلی آینده جوانان
- طرح ضرورت تلفیق مهارت‌های نرم و مهارت‌های کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کارآفرینی در روستاها
- تقویت مهارت‌های سواد دیجیتال جوانان به‌عنوان یکی از الزامات مهارتی مشاغل آینده
- اصلاح فرایند توانمندسازی اشتغال‌پذیری جوانان برای مشاغل آینده، با تلفیق مهارت‌های نرم، مهارت‌های کارآفرینی و سواد دیجیتال و کمک به الگوسازی فرایند اشتغال‌پذیری جوانان روستایی
- تغییر نگرش جوانان به مشاغل آینده و آینده مشاغل و ضرورت کسب مهارت‌های جامع اشتغال‌پذیری
- هدایت هوشمندانه و تسهیل‌گری فرایند اشتغال‌پذیری جوانان بر مبنای نیازهای حال و آینده جامعه
- افزایش تمایل جوانان روستایی برای ورود به آموزش‌های مهارتی شغلی مرتبط به مشاغل آینده

منابع

حجازی، ی.، غلامی، ح.، حسینی، م.، و رضوانفر، ا. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی در اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی. مورد مطالعه: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی*، شماره ۳، صص ۴۹-۲.

کاظم پوریان، س.، و سمانه عبدلی. (۱۳۹۵). سواد دیجیتال: راهکاری برای پوشش شکاف دیجیتال و پرورش شهروند دیجیتال. *سیاست نامه علم و فناوری*، دوره ۶، شماره ۴، صص ۶۴-۵۳.

- Alrifai, A. A., and Raju, V. (2019). The employability skills of higher education graduates: A review of literature. *Argument*, 6(3), 83-88.
- Bennett, T. M. (2006). Defining the importance of employability skills in career/technical education. Doctoral dissertation Auburn University, United States Alabama. Available at: <https://etd.auburn.edu/bitstream/handle/10415/644/BENNETT_TRACY_49.pdf?sequence=1&ts=1464972202469>.
- Bughin, J., Hazan, E., Lund, S., Dahlström, P., Wiesinger, A., and Subramaniam, A. (2018). Skill shift: Automation and the future of the workforce. *McKinsey Global Institute*, 1, 3-84.
- Centeno, C., Vuorikari, R., Punie, Y., Kluzer, S., Vitorica, A., Lejarzegi, R., ... and Bartolome, J. (2019). Developing digital competence for employability: Engaging and supporting stakeholders with the use of DigComp (No. JRC118711). Joint Research Centre (Seville site). Joint Research Centre (Seville site). Available at: <<https://ideas.repec.org/p/ipt/iptwpa/jrc118711.html>>.
- Copps, J., and Plimmer, D. (2013). Inspiring impact-The journey to employment: A guide to understanding and measuring what matters for young people. <Available at <http://hdl.voced.edu.au/10707/253718>>.
- Di Gregorio, A., Maggioni, I., Mauri, C., and Mazzucchelli, A. (2019). Employability skills for future marketing professionals. *European Management Journal*, 37(3), 251-258.
- Fossen, F., and Sorgner, A. (2019). Mapping the future of occupations: transformative and destructive effects of new digital technologies on jobs. *Форсаїм*, 13(2 (eng)), 10-18.

- Frey, C. B., and Osborne, M. A. (2017). The future of employment: How susceptible are jobs to computerisation?. *Technological Forecasting and Social Change*, 114, 254-280.
- Harvey L., Locke W., and Morey A. (2002). Enhancing employability, recognising diversity Making links between higher education and the world of work: Universities UK. Available at: <<https://www.qualityresearchinternational.com/esecttools/relatedpubs/enhancingemployabilityrediversity.pdf>>.
- Hillage, J., and Pollard, E. (1998). Employability: Developing a framework for policy analysis. *Labour Market Trends*, 107, 83-84.
- Knight, P. T., and Yorke, M. (2002). Employability through the curriculum. *Tertiary Education and Management*, 8(4), 261-276.
- Lissitsa, S., and Chachashvili-Bolotin, S. (2019). The effect of digital variables on perceived employability in an ethnic minority and the hegemonic group. *Israel Affairs*, 25(6), 1082-1104.
- Lyons, A., Zucchetti, A., Kass-Hanna, J., and Cobo, C. (2019). Bridging the gap between digital skills and employability for vulnerable populations. In G20 2019 Japan; JapanGov: Osaka, Japan, 2019; Volume 1. Available at: <https://www.researchgate.net/profile/Angela-Lyons/publication/332013345_Bridging_the_Gap_Between_Digital_Skills_and_Employability_for_Vulnerable_Populations/links/5c9b23b2299b1116949aa90/Bridging-the-Gap-Between-Digital-Skills-and-Employability-for-Vulnerable-Populations.pdf>.
- Olaniyi (2022). Digital skill and future of business education students. *International Journal of Multidisciplinary and Current Educational Research (IJM CER)*, 4(1), 186-192.
- Pan, Y. H., Cao, J. M., Jiang, H. G., and Tu, K. Q. (2014). How to enhance the employability of the graduates majored in economic. *International Conference on Information Technology and Computer Application. Engineering* (pp. 513-516). USA: CRC Press. Available at: <<https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.1201/b15936-118/enhance-employability-graduates-majored-economic-pan-cao-jiang-tu>>.
- Phillips, R., McNaught, C., and Kennedy, G. (2010). Towards a generalised conceptual framework for learning: The Learning Environment, Learning Processes and Learning Outcomes (LEPO) framework. In *EdMedia+ Innovate Learning* (pp. 2495-2504). Association for the Advancement of Computing in Education (AACE).
- Pool L. D., and Sewell, P. (2007). The key to employability: Developing a practical model of graduate employability. *Education and Training*, 49 (4), 277-289.
- Smith, C.D., Ferns, S. and Russell, L. (2014), Conceptualising and measuring 'employability' – lessons from a National OLT Project. Australian Collaborative Education Network, (pp. 139-148). available at: <<http://acen.edu.au/2014-conference-proceedings>> .
- Sumanasiri, E. G. T., Yajid, M. S. A., and Khatibi, A. (2015). Review of literature on graduate employability. *Journal of Studies in Education*, 5(3), 75-88.
- UNICEF. (2018). Designing digital interventions for lasting impact: A human-centred guide to digital health deployments. Available at: <<https://www.unicef.org/innovation/reports/designing-digital-interventions-lasting-impact>>.
- Wellman, N. (2010). The employability attributes required of new marketing graduates. *Marketing Intelligence and Planning*, 28(7), 908-930. <http://dx.doi.org/10.1108/02634501011086490>
- Williams, S., Dodd, L. J., Steele, C., and Randall, R. (2016). A systematic review of current understandings of employability. *Journal of education and work*, 29(8), 877-901.
- Wilson-Clark, G., and Saha, S. (2019). Transitions from school to work. UNICEF, New York. Available at: <<https://www.unicef.org/reports/transitions-from-school-to-work-2019>>.

Article Type: Research Article

Rural Youth Employability and Digital Skills

A. Yaghoubi Farani^{1*} and M. Khayati²

Abstract

Empowering youth for employability, which means having the set of knowledge, skills, and attitudes to get a job and play an effective role in the labor market, is one of the main priorities of governments in development programs. This issue is especially important for rural youth people as an important labor force in the rural economy and undoubtedly, not paying attention to the capabilities of the rural youth will result in wasting human resources and migration in villages. Due to the extensive progress in various scientific and technological fields and also increasingly changing conditions, needs, and expectations of societies, adapting the content of youth skill training to scientific and technological advances and social developments is one of the concerns of the skill training systems. To fulfill this purpose, there is an urgent need to an intelligent plan to create innovative and effective process and content changes in order to cover the skill gaps of young people in the field of new technologies, especially digital technologies. In this research, the role of digital skills and knowledge in empowering rural youth for employability in future has been discussed using the methodology of review studies. Also, the necessity of modeling and implementing effective processes to create and strengthen the skills and knowledge needed for rural youth employability to face the future challenges of employment has been investigated.

Keywords: Employability, Empowerment, Entrepreneurship, Digital Skills, Rural Youth.

¹ Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran.

² Former Ph.D Student in Agricultural Extension and Education Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran.

* Corresponding Author, Email: yaghoubi@basu.ac.ir